

# دلماں خنک نشد

حسین نامی ساعی

چهل سال پیش، پدر بزرگم یک یخچال هفت فوت ایرانی را هفتصد تومان خرید؛ آن هم از دم قسط، ماهی پنجاه تومان؛ چهارده ماه طول کشید که پول آن را تسویه کند! الان آن یخچال در آلاچیق باغ عمو محرم مثل یک ساعت دقیق کار می‌کند؛ درجه‌اش را که زیاد می‌کنی هر چه تویش باشد یخ می‌زند، برای همین درجه‌اش همیشه روی حداقل است.

باور کنید من هنوز لنگهٔ این یخچال عتیقه را ندیده‌ام! «آره والله، یخچال فقط یخچال ایرانی اون هم از آن قدیمی‌هاش»، این جملهٔ پدر بزرگ و عمو محرم است. معلوم نیست این همه یخچال‌های خارجی در کشور چه کار می‌کنند! سال گذشته، هر ماه پانزده میلیون و ۹۶۶ هزار و سیزده دلار صرف وارد کردن یخچال شده است؛ (در هر ماه ۱۳۰۱۳۰۱۵۹۶۶۰ دلار) یعنی در دوازده ماه سال ۱۳۹۱؛

$$۱۵۹۶۶۰۱۳ \times ۱۲ = ۱۹۱۵۹۲۱۵۶$$

۱۹۱ میلیون و ۵۹۲ هزار و ۱۵۶ دلار و با حساب هر دلار به‌صورت حداقل میانگین سه هزار تومان می‌شود:

$$۱۹۱۵۹۲۱۵۶ \times ۳۰۰۰ = ۵۷۴۷۷۶۴۶۸۰۰۰$$

۵۷۴ میلیارد و ۷۷۶ میلیون و ۴۶۸ هزار تومان! حدس بزنید با ۵۷۴ میلیارد و ۷۷۶ میلیون و ۴۶۸ هزار تومان می‌توان چند کارخانه یخچال‌سازی در کشور احداث کرد. چندین هزار نیروی کاری را مشغول کار کرد و در سال چند یخچال درجه یک ایرانی تولید کرد! و در نهایت از خروج این همه دلار از کشور جلوگیری کرد.

و در آخر پیام این مقاله: «یخچال ایرانی استفاده کنیم و حداقل ۵۷۵ میلیارد تومان ذخیره کنیم! تا علاوه بر پول دلماں هم خنک شود.»

